

تجلی آیات و روایات در اشعار سعدی

چو کنعان را طبیعت بی هنر بود...



چو کنعان را طبیعت بی هنر بود
پیمبر زادگی قدرش نیفزود
هنر بنمای اگر داری نه گوهر
گل از خار است و ابراهیم از آزر

این ابیات، به آیات 46-47 از سوره ی هود اشاره دارد که در آن ماجرای کنعان، فرزند کافر حضرت نوح (ع) مطرح شده است، وقتی پدرش به او گفت: «با ما درکشتی نشین و با کافران مباش!«. کنعان گفت: به سرکوه می روم و بدینسان آب به من نمی رسد. ولی آب آمد و او را غرق کرد و نوح گفت: «خدایا، این پسر من است. و تو وعده فرموده بودی که دودمان مرا هلاک نکنی!« خدای تعالی فرمود: «ای نوح، این پسر از دودمان تو نیست؛ چرا که او کارهای ناشایست انجام داد!«. همچنین، به آیه ی 74 از سوره ی انعام اشاره می کند، آنجا که ابراهیم به «آیا بتان را خدا می گیری؟ ولی پدر پس از بحثی طولانی، به پسر می گوید: اگر از بدگویی از بتان معبود من دست برداری، ترا سنگسار کنم.

اول دفتر به نام ایزد دانا
صناع پروردگار حی دانا
از درخشندگی و بنده نوازی
مرغ هوا را نصیب ماهی دریا
از همگان بی نیاز و بر همه مشفق
از همه عالم نهان و بر همه پیدا

که اشاره به آیات زیادی از جمله «صنع الله الذي اتقن كل شيء...؛ قدرت الهی را [بنگرید] که هر چه را محکم و استوار پدید آورد!«. (سوره نمل، آیه ی 88) پروردگار، ترجمه ی «رب!«، از صفات الهی می باشد و بیش از 697 بار در قرآن مجید آمده است. «حی!«، نیز، از صفات خداوند، به معنی «زنده!«، که نوزده بار در قرآن مجید آمده و «توانا!«، ترجمه ی «قادر و قدیر!«، می باشد که هر دو از صفات الهی هستند، اولی (10) بار و دومی (39) بار در قرآن مجید یاد شده است. بخشندگی ترجمه ی «عفو!«، بنده نوازی ترجمه ی «رحمت!«، بی نیاز ترجمه ی «غنی!«، نهان به معنی «باطن!« و پیدا ترجمه ی «ظاهر!« است که همگی، در قرآن از صفات خدا هستند. «هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن...«. (سوره ی حدید، آیه ی 3)

مرا شکیب نمی باشد ای مسلمانان
ز روی خوب «لکم دینکم ولی دین!«

که برگرفته از آیه ی 6، سوره کافرون (109) است که می فرماید: «[بگو: ای کافران] دین شما برای خودتان و دین من هم برای خود من!«. معمولاً، در اصطلاح شاعران و عموم مردم، «دین!« به معنی «آیین!« و «راه!« رسم و عبادت!« به کار می رود، ولی مفسران زیادی «دین!« را، در این آیه به معنی «عقوبت!« گرفته اند.

شکر و سپاس و منت عزت خدای را
پروردگار خلق و خداوند کبریا
دادار غیب دادن و نگهدار آسمان
رزاق بنده پرور و خلاق و رهنما
سبحان من یمیت و یحیی و لا اله

الا هو الذي خلق الارض و السما
گرچه جمله را عذاب کنی یا عطا دهی
کس را مجال آن نه که آن چون و این چرا
در کمترین صنع تو مدهوش مانده ایم.
ما خود کجا و وصف خداوند آن کجا

بیت های فوق برگرفته از آیات زیر است:

«#؛ لا اله الا هو يحيي ويميت فآمنوا بالله و رسوله...؛ معبودي جز او نيست، زنده مي کند و مي ميراند. پس، به خدا و فرستاده
ي او ايمان آوريد«؛ . (سوره ي اعراف، آيه ي 158)
«#؛ خلق السموات و الارض بالحق تعالى عما يشركون؛ آسمان ها و زمين را به حق آفريده است، او بالاتر از آن است که چيزي را
شريک او سازند«؛ . (سوره ي نحل، آيه ي 3)
و آيه هاي «#؛ سبحانه و تعالى عما يصفون؛ خداوند منزّه از آنچه که او را بدان وصف مي کنند، مي باشد«؛ . (سوره ي
انعام، آيه ي 100) «#؛ فسيحان الله رب العرش عما يصفون؛ پس خدا، فرمانرواي جهان هستي، ازآنچه او را به ناروا وصف مي
کنند [و براي او شريك مي پندارند] پاک و منزّه است«؛ . (سوره ي انبياء، آيه ي 22)

چه نيك بخت كساني كه اهل شيرازند
كه زير بال هماي بلند و پروازند
بلاغت يد بيضاي موسي عمران
به كيد سحر چه ماند كه ساحران سازند؟

بیت های فوق اشاره ای به 5 آیه از قسمت های گوناگون قرآن مجید در رابطه با معجزه ی موسی (ع) دارد. از جمله: «#؛ و نزع
يده فاذا هي بيضاء للناظرين؛ و [حضرت موسي (ع)] دستش را [از گريبان] بيرون كشيد پس، ناگهان، آن براي بينندگان سفيد و نوراني
گرديد«؛ . (سوره ي اعراف، آيه ي 108) و نيز داستان ساحري سامري و گوساله ساختن او در غيبت موسي (ع) كه سه بار در
قرآن مجيد (سوره ي طه، آيات 85 و 87 و 95) ذكر آن آمده است.

عيب آنان مكن كه پيش ملوك
پشت خم مي كنند و بالا راست.
هر كه را بر سماط بنشستي
واجب آمد به خدمتش برخاست
چون مكافات فضل نتوان كرد
عذر بيچارگان بيايد خواست

که اشاره به سخن معروف حضرت امیر المؤمنین، علي (ع) دارد: «#؛ لاتجتمع ولیمه و عزیمه؛ ولیمه خوردن و داوری درست کردن،
با هم جمع نمی شوند«؛ .

نویسنده: علي قلي زاده اندي

منبع: کتاب بشارت